



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۵	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۷ / ۰۲
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	معجز بودن نص قرآنی				
عنوان ۳	انواع اعجاز قرآنی • ۲. اعجاز غیبی قرآن کریم ➤ نمونه نخست: اخبار از آینده ➤ نمونه دوم: اخبار از غلبه روم ➤ نمونه سوم: اخبار از فتح مکه				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث ما در خصوصیت دیگری از قرآن کریم و نص آن بود و آن، اینکه این نص، نص اعجازی است. البته بحث ما در اعجاز قرآن نیست؛ ولی فقط اشاره می‌کنیم که این نص قرآنی، نص اعجازی است و از چند نظر، اعجاز دارد. گفتیم اعجازی بودن نص قرآن کریم را در دو مرحله، بیان می‌کنیم:

۱. قرآن کریم به این نص قرآنی تحدی و مبارزه طلبی کرده است:

الف: فأتوا بسورة من مثله؛

ب: فأتوا بعشر سور؛

ج: فأتوا بمثله؛

د: فأتوا بحديث مثله.

۲. این بیان اجمالی مطلب اعجازی بودن نص قرآن است و گفتیم بیان تفصیلی تری هم مطرح می‌کنیم؛ اگرچه این بیان، بیان تفصیلی به معنای واقعی نیست؛ بلکه فقط تفصیل نسبی است. گفتیم نص قرآن کریم هم اعجاز بیانی دارد؛ هم اعجازی غیبی و هم اعجاز علمی. پس لااقل از سه جهت، اعجاز دارد. اعجاز بیانی را در بحث پیش به اجمال، بیان کردیم و گفتیم که چگونه قرآن کریم در کلماتی کوتاه، مطالبی بسیار گسترده را، آن هم با بیانی بسیار شیوا و روشن، بیان کرده است که این هم نوعی از اعجاز بیانی است و نمونه‌هایی را هم ذکر کردیم.

۲. اعجاز غیبی قرآن کریم

بحث امروز ما در اعجاز غیبی است؛ یعنی قرآن کریم، اخبار از غیبیاتی کرده است که صحتشان مسلم شده. در این بحث، دو نوع اخبار غیبیه داریم:

۱. اخبارات غیبیه مربوط به گذشته و قبل از نزول قرآن کریم؛ که مربوط به خلقت آدم، آفرینش و زندگی انبیا و تاریخ آنان، قصص و احوال امم گذشته است و ما متعرض آنها نمی شویم.

۲. اخبارات غیبیه مربوط به آینده؛ ما به این اخبارات می پردازیم؛ یعنی آینده نسبت به زمانی که این آیات، نازل شده. نمونه هایی از این اخبار غیبی در قرآن آمده که در اینجا به سه نمونه، اشاره می کنیم:

نمونه نخست: اخبار از آینده

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا نَارَ الْآلَتِي وَفُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾^۱

عبارت: ﴿لَنْ تَفْعَلُوا﴾ اخبار از آینده است و می فرماید اگر نمی توانید مانند این سوره بیاورید - و نتوانسته اید و در آینده هم هیچ گاه نخواهید توانست - چنین کنید. این که می فرماید «در آینده، هیچ گاه نخواهید توانست» اخبار غیبی است و این هم تاکنون محقق شده. هزار و چهارصد و اندی سال، گذشته و تا امروز نتوانسته اند سوره من مثله، بیاورند؛ این یک اخبار غیبی مسلم است که غیبی بودنش محقق و مسلم شده است.

پرسشگر: ...

معظم له: بله، یکی از ابرز نمونه های غیب، آینده ای است که کسی بدان دسترسی ندارد و کسی نمی داند در آینده چه رخ می دهد. البته منظور از غیب، غیب به لحاظ زمان است و یکی غیب به لحاظ حس؛ یعنی آنچه محسوس است، مشهود به شمار می آید و آنچه محسوس نیست، غیب شمرده می شود ولو در زمان حاضر باشد. یکی از مصادیق غیب در زمان های دیگری است که ما در آنها نیستیم؛ یعنی خبر از حادثه ای در زمانی بدهد که ما در آن نیستیم؛ مخصوصاً زمان آینده؛ چون ممکن است انسان اخباری از زمان گذشته بدهد اما از کسانی که آن حادثه را دیده اند یا شنیده اند، خبر می دهد؛ یعنی به حس برگردد؛ که در این صورت، خیر، اخبار غیبی نیست. یا از جمله غیب ها غیب مربوط به عالم آخرت است یا اخبار از عالم دنیا است. عالم آخرت در دسترس ما نیست و اخبارات مربوط به آخرت، همه اش از اخبارات غیبیه است. یک نوع از اخبارات غیبی هم اخبارات از عالم نامرئی فوق محسوس است؛ مثل عالم ملائکه و عالم ارتباطاتی که در جهان فرشتگان، وجود دارد یا عالم جن و عوالمی که خارج از عالم شهود ماست. به هر حال، اینها از اقسام غیب است؛ اما آنچه در اینجا به عنوان اخبار غیبی، بحث می کنیم، اخبار مربوط به آینده است که قرآن کریم دارد از آینده خبر می دهد و مثلاً ﴿لَنْ تَفْعَلُوا﴾ می گوید و این خود اخبار غیبی و یک نوع اعجاز است.

پرسشگر: ...

معظم له: اینجا در آیه کریمه: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ دو نظر در مورد مرجع ضمیر ﴿مِثْلِهِ﴾ وجود دارد:

یکی ﴿مِمَّا نَزَّلْنَا﴾ و مای موصوله آن است؛ یعنی اگر از این قرآن کریم در ریب هستید، یک سوره مثل این قرآن بیاورید. اقوی شاید همین باشد؛ یعنی ﴿مِنْ مِثْلِهِ﴾ به معنای: «من مثل ما نزلنا علی عبدنا». نظر دیگر، این است که احتمال دارد ضمیر به ﴿عَبْدِنَا﴾ برگردد؛ یعنی: فأتوا بسورة از کسی مثل رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ یعنی کسی که امی بوده، درسی نخوانده، از کسی درس نیاموخته و با کتب سابقین، آشنا نبوده ولی این همه اخبار و تواریخ را در قالب قرآن کریم آورده، پس یک سوره مثل سوره ای از کسی مثل او بیاورید. ولی اقوی همان است که ضمیر به ﴿مِمَّا نَزَّلْنَا﴾ برگردد؛ یعنی: فأتوا بسورة من مثل ما نزلنا.

نمونه دوم: اخبار از غلبه روم

خداوند متعال می فرماید:

﴿الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * ١﴾

این آیات، اخبار از یک حادثه مستقبلی است. بنابر آنچه در روایات و اخبار تاریخی آمده، مشرکین دوست داشتند فرس (اهل فارس) بر روم، غلبه پیدا کند؛ چون روم اهل وفاق و دین بودند و مشرکین با آنها در جنگ به سر می بردند. وقتی که جنگ بین فرس و روم، اتفاق افتاد، فرس (ایران) بر روم، غلبه یافت. مشرکین دوست داشتند غلبه با اهل کتاب و رومیان باشد؛ چون اهل کتاب و از نصاری بودند. آن وقت هم نصرانیت، دین معترف به خدای متعال بود و متدینان قبل از ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله، نصاری بودند. مؤمنین دوست داشتند نصاری که اهل دین هستند، غلبه پیدا کنند درحالی که آن که غالب شد، لشکر ایران بود:

﴿غَلَبَتِ الرُّومُ﴾

روم، مغلوب شد. سپس خبر می دهد که هرچند روم، مغلوب شده و نصاری شکست خوردند، ولی در چند سال آینده، پیروز می شوند. گفته اند ﴿بِضْعِ سِنِينَ﴾ بیش از سه سال و کمتر از ده سال است. خدا می فرماید در بضع سنین، رومی ها غلبه پیدا می کنند.

﴿الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ ...﴾

در ﴿أَدْنَى الْأَرْضِ﴾ هم یعنی سرزمین نزدیک سرزمین شما؛ چون سرزمین روم و فرس، هر دو نزدیک به سرزمین عرب و متصل به جزیره العرب بوده و ملتقای فرس و روم، محسوب می شده است. می فرماید که رومی ها گرچه شکست خوردند و لشکر فارس غلبه پیدا کرد، اما ﴿مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ﴾؛ یعنی من بعد مغلوبیتهم ﴿سَيَغْلِبُونَ﴾؛ بر فارس ها و لشکر فارس، غلبه پیدا می کنند.

این اخبار، اخبار غیبی بود که می گفت در چند سال آینده، این حادثه رخ خواهد داد. این اخبار غیبی مسلم و عجیب بود که هیچ کس نمی توانست پیش بینی کند که در آینده، آن هم در ظرف کمتر از ده سال، این حادثه رخ خواهد داد که رومی ها بعد از شکست سختی که از لشکر فارس خورده بودند، پیروز می شوند.

نمونه سوم: اخبار از فتح مکه

نمونه سوم، اخبار از بازگشت پیروزمندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مکه بعد از آنکه قریش آن حضرت از مکه، اخراج کردند و قصد کشتن ایشان را داشتند. در قرآن کریم هم به این، اشاره شده که اهل مکه و قریشیان تصمیم گرفتند که حضرت را نابود کنند و بکشند. حضرت هم از مکه، بیرون آمد و به مدینه رفت؛ چون دیگر در مکه، امکان ادامه حیات برایشان وجود نداشت. لذا به دستور خدا از مکه، هجرت کرد و مسأله هجرت هم معلوم و مضبوط است. چون ادامه زندگی برای پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، وجود نداشت، آیه نازل شد و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْنَا مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۱

خدا می فرماید که تو را به مکه برخواهد گردانید. در سوره «قصص» از آغاز سوره هم اشاره به جریان حضرت موسی علیه السلام و چگونگی خروج آن حضرت از مصر به صورت «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»^۲ می کند؛ چون بعد از آنکه آن فرعون را کشت، می خواستند ایشان را بکشند و حضرت هم «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» از مصر، بیرون رفت. داستان بازگشت حضرت موسی علیه السلام در سوره «قصص» هم مفصل آمده و بیان داشته که چگونه به مصر بازگشت و سپس هم در آنجا برای او فتح حاصل شد و بر فرعون، پیروز گشت. بعد از آنکه این داستان، تقریباً از اول سوره «قصص» تا اواخر سوره، بیان شده، اشاره ای هم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می شود که: تو هم به مکه باز خواهی گشت: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْنَا مَعَادٍ﴾؛ علت تعبیر به «فرض کردن قرآن» این است که قرآن کتاب تشریع است و لذا تشریع، جعل و فرض می شود. خدایی که این قرآن، کتاب تشریع را بر تو فرض و جعل کرده، تو را به مکه باز خواهد گردانید؛ یعنی تو را پیروز خواهد ساخت و بر دشمنان غلبه خواهد داد.

این هم یکی از اخبارات غیبیه عجیبه قرآن کریم است؛ چون در آن زمان، قریشیان از قدرتمندان جزیره العرب به شمار می رفتند و از لشکر و امکانات، برخوردار بودند؛ درحالی که مسلمانان چیزی در دست نداشتند. اینکه قرآن کریم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر دهد که به مکه باز خواهی گشت و بعد از اینکه مسلمانان در مکه در ضعف بودند و قریشیان صاحب نهایت قدرت، این پیروزی برای تو حاصل خواهد شد، این اخبار «لَرَادُّكَ إِلَيْنَا مَعَادٍ» از اخبارات غیبیه قرآن کریم است. اینها نمونه هایی از اخبارات غیبیه است که نمونه هایی از اعجاز نوع دوم قرآن کریم؛ یعنی اعجاز غیبی، محسوب می شود.

در جلسه آینده هم به برخی از نمونه های اعجاز علمی، اشاره می کنیم؛ منتها گفتیم بحث ما درباره اعجاز قرآن نیست و این را عرضاً و به عنوان خصائص قرآنی، بحث می کنیم. گفتیم که یکی از خصائص نص قرآنی، اعجازی بودن نص است.

۱. سوره قصص: ۸۵.

۲. همان: ۱۸.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين